



انتشارات صعیفه خرد

ارامنه در بوشهر
(از افشاریه تا پایان قاجاریه)

ظهراب هاشمی پور

مدیر دانشنامه: سید محمد حسین سیدزاده
دبیر دانشنامه: سیدقاسم یاحسینی
دبیر اجرایی و ناظر دانشنامه: فرید میرشکار
طرح جلد: معید میرزایی
صفحه آرایی: منی عموری
ویراستار: افسانه گرمی ثابت
لیتوگرافی و چاپ: ترام اسکندر/زیتون
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

نشانی انتشارات:
قم، خیابان صفاییه، کوچه ۳۲،
کوچه کمره‌ای، پلاک ۹۶
تلفن: ۳۷۸۳۲۱۹۸ - ۰۲۵
دورنگار: ۳۷۷۳۵۶۷۲

فهرست

- ۷ مقدمه ی حوزه هنری بوشهر
- ۹ مقدمه
- ۱۱ پیشگفتار
- ۲۱ اوضاع ارامنه بوشهر در دوره افشاریه
- ۲۳ وضعیت سیاسی ارامنه در دوره افشاریه
- ۳۰ وضعیت سیاسی بوشهر و ارامنه آن در دوره افشاریه
- ۳۳ وضعیت اقتصادی ارامنه در دوره افشاریه
- ۴۲ وضعیت اقتصادی بوشهر و ارامنه آن در دوره افشاریه
- ۴۶ وضعیت اجتماعی ارامنه در دوره افشاریه
- ۵۲ وضعیت اجتماعی بوشهر و ارامنه آن در دوره افشاریه
- ۵۷ اوضاع ارامنه بوشهر در دوره زندیه
- ۵۹ وضعیت سیاسی ارامنه در دوره زندیه
- ۶۳ وضعیت سیاسی بوشهر و ارامنه آن در دوره زندیه
- ۶۶ وضعیت اقتصادی ارامنه در دوره زندیه
- ۷۱ وضعیت اقتصادی بوشهر و ارامنه آن در دوره زندیه
- ۷۹ وضعیت اجتماعی ارامنه در دوره زندیه
- ۸۴ وضعیت اجتماعی بوشهر و ارامنه آن در دوره زندیه
- ۹۵ اوضاع ارامنه بوشهر در دوره قاجاریه
- ۹۷ وضعیت سیاسی ارامنه در دوره قاجاریه
- ۱۰۶ وضعیت سیاسی بوشهر و ارامنه آن در دوره قاجاریه



حوزه هنری بوشهر

ارامنه در بوشهر
(از افشاریه تا پایان قاجاریه)

ظهراب هاشمی پور

پدیدآورنده: هاشمی پور، ظهراب
عنوان: ارامنه در بوشهر (از افشاریه تا پایان قاجاریه)

تکرار نام پدیدآور: ظهراب هاشمی پور

مشخصات نشر: قم، صحیفه خرد، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۱۳ ص: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۳-۱۹-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه: م. [۳۰هـ] - [۳۱هـ] همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: ار. - نه. - بوشهر - تاریخ

موضوع: ار. - بوشهر - افشاریان - ۱۱۴۸ - ۱۱۶۳ ق. - تاریخ

موضوع: ارامنه - بوشهر - قاجاریان - ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. - تاریخ

شناسه افز. - سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری بوشهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ - الف ۲ هـ / DSR ۱۲۲۰

رده دیویی: ۵/۹۰۲

شماره کتابشناسی: ۳۹۲۰ - ۲۶

بوشهر، میدان قدس، بازار زیر بعل، دلواری،

مستدوق پستی: ۷۵۱۳۵ - ۷۴۹ - جو. هنری - شهر

تلفن: ۳۹۳۳۲۴۰۸۳ - ۳۹۳۳۲۹۰۵۱

www.artbushehr.ir

- ۱۴۶ وضعیت اقتصادی ارامنه در دوره قاجاریه
۱۵۶ وضعیت اقتصادی بوشهر و ارامنه آن در دوره قاجاریه
۲۰۸ وضعیت اجتماعی ارامنه در دوره قاجاریه
۲۲۱ وضعیت اجتماعی بوشهر و ارامنه آن در دوره قاجاریه
۲۹۱ اسناد
۳۰۰ منابع و مأخذ
۳۱۰ مقاله ها

www.ketab.ir

مقدمه‌ی حوزه هنری بوشهر

استان بوشهر یکی از مراکز تاریخی و باستانی ایران در کرانه‌های شمالی خلیج فارس به سمت شمال رود. این ناحیه از ایران زمین، قدمتی به درازای تاریخ دارد. بوشهر مسکن مسافرین علم و ادب و تعلیم و تعلم بوده است. کتابخانه‌ها و مراکز علمی شهر «لیان» یا «دانه گاه «سینیز»، مدارس علمی بندر «سیراف»، کتیبه‌های میخی و بقایای معابد «وری لیان در «سبز آباد» و «ریشهر»، بقایای کاخ‌ها و کتیبه‌های هخامنشی، همگی این استان را این تاریخ پرفرازونشیب است. معماری کم‌نظیر، اعتقادات مذهبی مردم، حضور ادیان مختلف، وجود نخستین آثار حمل و نقل هوایی و ریلی، وجود اولین بیمارستان، چاپخانه‌ها، باشگاه‌ها و ورزش‌های نوین، حضور نمایندگی‌های سیاسی و تأسیس اولین مدارس و مراکز آموزشی از قبیل مدرسه‌ی سعادت از نشانه‌های بارز این بالندگی و شکوفایی این کهن دیار است. در مجموعه‌ی «دانشنامه‌ی استان بوشهر» که توسط حوزه‌ی هنری استان در ده‌ها جلد منتشر می‌شود، کوشش شده تا همه گونه اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی، هنری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رجالی و مذهبی مربوط به استان بوشهر در قالب تکنگاری‌های علمی و روشمند، گردآوری، تجزیه و تحلیل و نوشته یا ترجمه شود. امید است با انتشار کامل این مجموعه، دانش آموزان، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان، منبع

و مأخذ قابل اطمینانی درباره‌ی شهر و دیارشان به دست آورند. از آقای سید قاسم یا حسینی نویسنده و پژوهشگر بوشهری که دبیری علمی این دانشنامه را عهده‌دار شدند و دیگر نویسندگان و پژوهشگرانی که با این طرح صمیمانه همکاری می‌کنند، تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

سید محمدحسین سید زاده
رئیس حوزه‌ی هنری استان بوشهر

مقدمه

ایران از دیرباز محل آمدوشد اقوام و طوایف مختلف بوده است. این اقوام به دلایل متعدد در گذر زمان به ایران وارد شده و در سایه تعامل با ساکنان بومی به جزیی از پیکر فزاین سرزمین مبدل می شدند. بی تردید بروز قابلیت ها و توانائی های این اقوام و طوایف نقشی تأثیرگذار در رشد و بالندگی ایران در گذر زمان ایفاء کرده است. ارامنه از جمله اقوام مؤثری در تاریخ ایران بودند که به واسطه هم جوارگی ارامنه با ایران از دوره باستان دارای ارتباطات تنگاتنگی با تاریخ ایران بودند. اما آغاز حضور مؤثر این قوم در تاریخ ایران به دوره صفویه و به ویژه به دوره عباس اول بازمی گردد. در این دوره با فراهم شدن زمینه از سوی حکومت صفوی ارامنه نقش فعالی در عرصه های مختلف به ویژه تجارت خارجی ایفاء کردند. دامنه فعالیت ارامنه در این دوره پس از اسکان در منطقه جلفای اصفهان به تدریج از پایتخت صفویه نیز فراتر رفته و مناطق دورتری چون بنادر خلیج فارس را هم دربرگرفت. از جمله بنادر خلیج فارس که از همین زمان مورد توجه ارامنه قرار گرفت بندر بوشهر کنونی بود. با سپری شدن دوره صفویه و فرارسیدن دوره افشاریه و ادوار پس از آن به ویژه دوره قاجاریه، رونق بیش از پیش بوشهر موجب پررنگ تر شدن حضور ارامنه در این منطقه شد. ارامنه در دوره قاجاریه در بوشهر علاوه بر حضور فعال در عرصه تجاری، به عنوان جزئی از پیکره اجتماعی بوشهر در فعالیت های

اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری ایفاء کردند. پژوهش حاضر که به وسیله پژوهشگر ارجمند آقای ظهراب هاشمی پور سامان دهی شده علاوه بر بازگویی ارتباط دیرینه ارامنه با تاریخ ایران، گذری بر فعالیت این قوم در شهر بندری بوشهر در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در دوره ای به گستره ای صفویه تا پایان قاجاریه است. اگرچه در این زمینه در گذشته نیز به طور جسته و گریخته پژوهش هایی انجام گرفته است اما امتیاز اثر حاضر آراستگی آن به اسناد و مدارک نویافته ای است که به مدد کوشش مؤلف این اثر جمع آوری شده و اخبار تاریخی ارامنه بوشهر در این دوره را به آن مستند ساخته است. امید است که صاحب نظران و نکته سنجان با خاطرنشان ساختن رهنمودهای خود موجب هرچه بیشتر شدن این اثر گردد.

دکتر بدرالسادات عزیزاد - مقدم

زمستان ۱۳۹۴

پیشگفتار

ارمنستان سرزمینی است مرتفع و کوهستانی که در منطقه ناهموار قفقاز واقع شده است. از لحاظ جغرافیایی، شمال به گرجستان، مشرق به آذربایجان، مغرب به ترکیه و جنوب به ایران محدود می‌شود. لیکن از لحاظ بررسی جغرافیای ریخی این سرزمین، آن گونه که از منابع مختلف برمی‌آید، حدود قلمرو این کشور متدتر و متفاوت‌تر از آنچه که امروز بر روی نقشه جغرافیا مشاهده می‌کنیم بوده است. به عنوان نمونه، آقای اسماعیل رائین در کتاب «ایرانیان ارمنی» می‌نویسد: «منطقه ارمنستان تاریخی، ناحیه‌ای است که بین کناره خزر، از سوی شرق به گرجستان و دریای سیاه، از طرف شمال به سرچشمه‌های رودخانه فرات، از جانب غرب و دره‌های رودخانه دجله و فرات در جنوب غربی واقع شده است» (رائین، ۱۳۳۹: ص ۶) و کوه‌های پشت‌درپشت مرتفع، خطوط مرزی شمال و جنوب را همچون حصار طبیعی سد نموده است لیکن «... در مرزهای شرقی و غربی خزر، کمتر به وسیله موانع طبیعی حفظ می‌شود و در این مسیر است که راه‌های مرم‌آسمان و جاده-های تجاری قرار دارد» (نرسیان، ۱۳۹۰: ص ۲۰)

پر واضح است که ارامنه یکی از گونه‌گون اقوامی هستند که از گذشته‌های دور در ایران ساکن بوده و قریب به دو هزار و هفتصد سال پیش تاکنون با دیگر ایرانیان سرنوشتی مشترک داشته‌اند. هرچند در مورد نژاد ارامنه بین محققان اختلاف نظر وجود دارد و تاکنون ایشان در این زمینه به یک نظر کلی و واحد نرسیده‌اند، لیکن اغلب، ارامنه را از نژاد هندواروپایی و برخی مشخصاً آنان را خانواده‌ای آریایی و از نژاد آرم‌ن می‌دانند. (رائین، ۱۳۴۹: ص ۴) که

مثل سایر اقوام، اسلاف آنان نیز پس از جابجایی‌ها و تغییرات جغرافیایی سکونتگاه‌هایی چون آسیای مرکزی، کناره‌های رودخانه سند و بین‌النهرین، سرانجام دامنه‌های سلسله جبال قفقاز را برای زندگانی اختیار نموده و تاریخی پرفراز و فرود را آغاز کردند.

ایران و ارمنستان در طول تاریخ همواره روابط تنگاتنگ و بسیار نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند، به گونه‌ای که این سرزمین در طول چندین و چند دوره‌ی تاریخی (به جز در مواقعی کوتاه) جزوی از سرزمین ایران محسوب می‌شده و همواره شاه یا شاهزادای ایرانی بر این قلمرو حکمرایی داشته است. آن گونه که از منابع مختلف می‌آید به روشنی پیداست که فراز و فرودهای ناشی از این روابط، گاهی الهام‌بخش سستی و ضمیمیت و گاهی پیام‌آور رنج و خشونت بوده است. با توجه به این که دوره‌ی صدر به نقش حساس و مهمی در روابط ایران با مناطق ارمنی‌نشین دارد و در واقع، برای نقش پایه‌ای در بررسی آرامنه بوشهر می‌باشد، بنابراین به‌طور مختصر به چگونگی روابط دولتمردان صفوی با نیروهای ارمنی در این دوره از تاریخ ایران می‌پردازیم.

روی کار آمدن صفویان در نقطه آغازین قرن ۱۶ هـ ق / ۱۶ م، پایان مناقشات و کشمکش‌ها در این منطقه حساس جغرافیایی تاریخی (ارمنستان) نبود، فقط نام گروه‌های متخاصم درگیر در این مناطق تغییر کرد و این بار قزلباش‌ها و ینی‌چری‌ها بودند که بر سر کسب سیادت و برتری سیاسی و برخورداری از منافع اقتصادی حاصل از این سرزمین و ساکنانش، درصدد از میدان به در کردن یکدیگر برمی‌آمدند. آنچه مسلم است این است که قلمرو ارمن‌ها از مدت‌ها قبل بین ایران و عثمانی تقسیم‌شده بود. قسمت عمده ارمنستان موسوم به «ارمنستان علیا یا کبیر» تحت استیلای ایران و قسمت دیگر موسوم به «ارمنستان صغیر» تحت فرمانروایی ترک‌ها قرار داشت. هرچند کلاویخو که به ایران تحت فرمانروایی تیمور سفر کرده است، خوی را مرز

ایران و ارمنستان بزرگ می‌داند، (کلاویخو، ۱۳۷۴: ص ۳۲۳) لیکن در دوره صفویه و بخصوص در تقسیم‌بندی اداری ایران به پنج ایالت در دوره عباس اول، قسمتی از ارمنستان جزو ایالت آذربایجان محسوب می‌شده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ص ۱۵۸)، درحالی‌که مابقی مناطق از جمله ایروان، قارص، نخجوان، چغورسعد، وان و غیره نیز توسط مأموری از طرف حکومت ایران با عنوان بیگلربیگی اداره می‌شده است.

ایالات و مناطق ارمنی‌نشین برای شاهان صفوی چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی دارای اهمیت سوق‌الجیشی و راهبردی فوق‌العاده‌ای بودند. از لحاظ سیاسی این مناطق به چنان نقش تاریخی خود را ایفا می‌نمودند، یعنی به‌عنوان منطقه حائل و پیرامون‌گیر و به‌نوعی منطقه دیده‌بانی عمل می‌نمود و از لحاظ اقتصادی نیز همچنان نقش مهم خود را در پیوند تجارت شرق و غرب ایفا می‌کرد و به‌عنوان مناطق حمل و فرست ابریشم، ترانزیت کالا و محل عبور و مرور کاروان‌های تجاری - با تو - به رشد روزافزون - به شمار می‌رفت. تجارت بین‌المللی درآمد عظیمی برای دولت ایران به دنبال داشته است. مصداق عینی آن، این گفته‌ی تاورنیه است که می‌نویسد: «ایروان ... یکی از ایالات خوب ایران است که شاه از آنجا علایق بسیار تحصیل می‌کند، چه از بابت حاصلخیزی اراضی چه از بابت عبور و مرور کاروان‌های تجارتی.» (تاورنیه، ۱۳۶۹: ص ۵۰) بنابراین با در نظر گرفتن سوار فو که می‌توان پی برد که چرا این سرزمین عرصه‌ی تاخت‌وتاز و رقابت میان قزلباش و اردبیلی‌چری‌ها واقع می‌گردید.

ترک‌ها در دفعه‌های مختلف و در دوره‌های متوالی حکومت شاهان صفوی به این سرزمین لشکرکشی نموده و مناطقی را متصرف شدند و هنوز جا خوش نکرده تا خستگی از تن به درکنند، که قزلباش‌ها سررسیده و آن‌ها را تا مرزهای خودشان به عقب راندند و البته بیچاره مردمان این قلمرو بودند که می‌بایست تاوان این رفتن‌ها و آمدن‌ها را بپردازند و همین مسئله سبب

پراکنده شدن آنان در مناطق هم‌جوار روسیه، عثمانی، گرجستان به‌ویژه ایران می‌گردید، چه به‌صورت آزاد و چه به‌صورت برده و غلام. لذا تعداد زیادی از آن‌ها در تبریز، خوی، قزوین، باکو، دربند و حتی مناطق داخلی ایران چون اصفهان، شیراز، کرمان، همدان و غیره سکنی گزیدند.

ورود ارمن‌ها به ایران به‌طور عمده در طول دوره پادشاهی دو تن از شاهان معروف صفوی، یعنی شاه‌طهماسب و عباس اول صورت پذیرفت، البته در دو شکل متفاوت. در دوره نخست ارامنه به‌صورت برده و غلام به ایران وارد شدند، در صورتی که در دوره متأخر به‌صورت آزاد (هرچند به‌اجبار) به ایران کوچانیده شدند.

شاه‌طهماسب طی سال‌های ۱۵۵۳ تا ۱۵۴۰ م / ۹۶۰ تا ۹۴۷ هـ. ق. با لشکرکشی‌های مختلفی به مناطق قفقاز انجام داد اسیران گرجی، چرکس و ارامنه زیادی را با خود به ایران آورد. از آنجا که اکثریت این اسرا کودکان و زنان بودند، لذا این کودکان و اعقاب آن‌ها و زادوولد این زنان، اساس «نیروی سومی» را تشکیل دادند که بعدها شاه‌عباس اول آن را سازمان داد. (سیوری، ۱۳۹۱: ص ۶۴) تعداد این افراد که مجموعاً با عنوان «غلامان» از آنان یاد می‌شد قابل توجه بود، چراکه تنها از یک لشکرکشی حدود سی هزار تن اسیر به ایران آورده شد. این غلامان پس از مسلمان شدن و گذراندن تعلیمات و آموزش‌های خاص، وارد یکی از بخش‌های نظامی شده و حتی می‌توانستند نظامی جدیدالتأسیسی موسوم به قوللر آقاسیان را به وجود آورند و یا این که در کارخانه‌ها و بیوتات سلطنتی و یا دیگر شعب ادارات خاصه به کار گمارده می‌شدند.

از آنجا که قبل از ورود این عناصر جدید و حتی بعد از حضور آن‌ها در ایران میان ایرانیان - گردانندگان امور اداری و دیوانی - و ترک‌ها - گردانندگان امور نظامی و سپاهی و والی‌گری - برای به دست آوردن قدرت و کنترل مقامات عمده دولتی، مبارزاتی در جریان بود و رقابت و کشمکش و

خصوصت فی مابین، شاهان صفوی را به ستوه آورده و نظام مربوطه را به فقہرا می‌کشانید، به همین دلیل این عناصر بکر و تازه می‌توانست به صورت موازنه‌ای تعادل قوا را برقرار و به نقطه‌ی قابل‌اتکا و اطمینان شاهان این سلسله تبدیل شود. علاوه بر این، رخنه آن‌ها در پنهان‌ترین لایه‌های دربار، نوید یک انقلاب آرام و تدریجی را می‌داد، چراکه ورود زنان آن‌ها در حرم‌خانه سلطنتی (که به دلیل زیبایی مورد توجه بودند) موجب تسریع نوع کاملاً جدیدی از مبارزات در داخل حاکمان سلطنتی شد، زیرا این زنان برای به سلطنت رساندن فرزندان خود رگیر دسیسه‌چینی‌های سیاسی شدند. (سیوری، ۱۳۹۱: ص ۶۴) بنابراین از اواخر دوران حکومت طهماسب بود که قدرت قزلباش‌ها به عنوان طبقه برگزیده نظامی در اثر موقعیت جدید، دستخوش زوال گردید و این امر به خصوص در دوره عباس یکم به گونه‌ای تشدید یافت که حتی گاهی رؤسای قبایل را نیز از میان همی‌ها انتخاب می‌نمودند.

کوچ معروف ارامنه در سال ۱۶۰۴ م / ۱۰۱۳ ق، در دوره عباس اول صورت پذیرفت. در تصمیم تاریخی شاه عباس، مبنی بر انتقال ساکنان ارمنی مناطق مورد منازعه‌ی ایران و عثمانی می‌توان اهداف ذیل را دخیل دانست:

اول، ایجاد منطقه‌ای سوخته و خالی از سکنه در مناطق مرزی دو کشور، به طوری که سپاه ترکان امکان فراهم آوردن آذوقه و شاهگاه نداشته باشند. دوم، توسعه‌ی دادوستد و بازرگانی داخلی و خارجی، زیرا بازرگانان ارمنی واسطه‌های قدرتمندی در تجارت بین شرق و غرب به شمار می‌آمدند و می‌توانستند در فرمول اقتصادی شاه نقش دست‌اول را داشته باشند. به ویژه آن‌که شاه عباس خود تولیدکننده اصلی ابریشم ایران بود و انحصار تجارت آن را در دست داشت، و برای صدور آن به اروپا و همچنین برای ایجاد ارتباط سیاسی با غرب نیاز به تجار و سیاستمداران ارمنی که مسلط به زبان‌های اروپایی و آگاه به راه و رسم آن‌ها بودند داشت. سوم، جلوگیری از ائتلاف ارامنه با ترک‌ها و حمایت آن‌ها از ایشان در حمله به قلمرو ایران. چراکه

آن گونه که از برخی منابع برمی آید «در آن وقت ارامنه به عثمانی ها و متابعین مذهب تسنن زیاده تر راغب و همراه بودند تا به شیعه اثنی عشری.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ص ۲۲۴۱) و چهارم تعدیل جمعیت مناطق داخلی ایران. چراکه جمعیت مناطق داخلی ایران در اثر کشمکش های ترکمن ها و قبل از آن ها کشتارها و قتل عام های تیمور و قبل تر مغولان به شدت تقلیل یافته بود و این امر رونق این مناطق را با سختی مواجه می کرد. لذا شاه عباس در صدد برآمدن با کوچاندن ارامنه درواقع زمینه ی رشد و رونق این مناطق را فراهم آورد. بنابراین شاه عباس تعداد بیست و هفت هزار خانوار از ارامنه ایروان، نخجوان، جلفا، قرص و قرص تا برسد به ارض روم را کوچانیده در مازندران و گیلان اسکان داد^۱ به واسطه عدم مساعدت آب و هوا با مزاج آن ها، بیچاره ها عده ای تلف شدند و عده عمده ی آن ها را به اصفهان انتقال دادند و قسمت دیگر ارامنه در دهستان های مابین اصفهان و شیراز متفرق شدند.^۲ (تارویه، ۱۳۶۹: ص ۵۶-۵۵) به هر حال آنچه که مسلم است، پراکندگی ارامنه در شهرهای مختلف ایران در این دوره می باشد. از تبریز و قزوین و همدان گرفته تا کرمان و شیراز و به خصوص اصفهان که تعداد دو الی سه هزار از خانواده های ارمنی بدان جا اسکان داده شده و شهرک مجری بانام جلفای نو را بنا نهادند. علاوه بر این، مرحله ای دیگر نیز شاه عباس عده ای از ارامنه را از ارمنستان جنوبی و جنوب قفقاز و نواحی آذربایجان به بوشهر آورد و در خارج شهر جای داد. (شاردن، ۱۳۷۹: ص ۱۶۶) اما در این میان آنچه که جالب توجه بوده و تمامی منابع نیز بدان معترف اند، شناخت حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارامنه از طرف شاهان صفوی، به خصوص شاه عباس اول

^۱ - آمارهای مختلفی در مورد تعداد مهاجرین ذکر شده است: ۲۰۰۰۰، ۲۷۰۰۰، ۴۰۰۰۰، ۶۰۰۰۰ و غیره. به عنوان مثال دلاواله سیاح ایتالیایی به نقل از یک نفر ارمنی، تعداد ارامنه فرح آباد را ۴۰۰۰۰ خانوار شمارش می کند. (دلاواله، ۱۳۴۸: ص ۴۴۳)

می‌باشد. البته این مطلب نباید سبب نادیده گرفتن برخی اجحاف‌هایی شود که بر این گروه رفته است.

شاه به منظور این که ارمن‌ها در سرزمین جدید احساس راحتی و آسایش کنند و همچنین برای جلوگیری از اختلاف و بی‌نظمی و منازعات میان ایشان و مسلمانان، آن‌ها را در محلی جداگانه در حومه شهر که بعدها به جلفای نو موسوم گردید اسکان داد و برای آن‌ها خانه و مسکن ساخت. همچنین امتیازات عده‌ای نیز برای آنان در نظر گرفت. امتیازاتی مبنی برداشتن حق تملک، مافیت از خدمت نظام، آزادی برگزاری مراسم مذهبی، ساخت کلیسا و تعمیر آن؛ حتی خواستگاری برای آنان کلیسا ساخت. همچنین شاه آنان را به تجارت تشویق کرد. به آن‌ها ابریشم مساعده می‌داد که می‌بردند، می‌فروختند و در مراجعت از سفر ابریشم آن می‌پرداختند و امتیازی مبنی بر این که رئیس و قاضی از خود داشته باشند و تابع قوانین و محاکمات ایران نباشند. (تاورنیه، ۱۳۶۹: ص ۵۶)

بنابراین، ارامنه طبق مقررات و رسوم و رسومات خاص خود زندگی می‌کردند و فردی از خودشان با عنوان کلاتر بر امورات آنان نظارت داشت. به این ترتیب آن‌ها تحت حمایت کامل شاه عباس و بعدها جانشین وی شاه صفی و شاه عباس دوم، زندگی جدیدی را از سر گرفتند. تاورنیه می‌نویسد: «... شاه اجازه نمی‌دهد که هیچ یک نسبت به آن‌ها برای بی‌عدالتی نماید، حتی برای آسایش آن‌ها غوغا کرده است که هیچ مسلمان در جلفا منزل نکند. همچنین اجازه دادند مثل ایرانی‌ها لباس بپوشند، و یقه طلا و نقره به اسب‌سواری خود بزنند و زن‌هایشان به لباس فاخر از زری‌های و نیز و پارچه‌های قیمتی ملبس شوند.» (تاورنیه، ۱۳۶۹: ص ۴۰۷) اگرچه این امتیازات موجب ناراحتی روحانیان آن زمان شده بود، اما قدرت و تسلط شاه عباس اول مجال دخالت به ایشان را نمی‌داد، هرچند که این عقده‌ها در اواخر دوره صفوی سرباز نمود.

بنابراین به تدریج این گروه از ارامنه که می‌توان قید آزاد را برای آن‌ها عنوان کرد، به حیات جاری دیگر ایرانیان وارد شده و مانند غلامان و دروابع در کنار آن‌ها عهده‌دار نقش‌هایی مؤثر و بااهمیت شدند. ارمنی‌ها در وطن جدیدشان متعصبانه سنن زبانی، مذهبی و به‌طور کلی فرهنگی خود را حفظ نمودند. آنان به نیکی دریافته بودند، مهم‌ترین عاملی که می‌تواند برای حفظ هویت و زبان و فرهنگ آنان به آن‌ها کمک نماید، کلیسا و اعمال و مناسک مذهبی آن است، به همین دلیل پس از ورود و تثبیت جایگاهشان در اصفهان، به ساخت کلیسا همت گمارده‌اند. شاه‌عباس اول نیز در این امر به آنان مساعدت می‌نمود، به گونه‌ای که به سرعت آنان با برچیدن کلیسای اچمیادزین - مرکز دینی ارامنه - آن را به اصفهان منتقل نماید. به جلفایی‌ها با این امر موافقت نکردند.

نیروهای ارمنی اشغال از جمله آزاد، در ابعاد مختلف اشتغالات این سرزمین، از سیاست گرفته تا اقتصاد و اجتماع و فرهنگ و غیره عهده‌دار مسئولیت‌هایی مهم و تأثیرگذار گردیدند که هرچند پرداختن به آن از حوصله این کتاب خارج است، لیکن اشاراتی به چند کوتاه به‌منظور آشنایی با عمق مسئله ضرورت دارد. بدین ترتیب، صدارت اعظمی، پیهسالاری لشکر، ناظری بیوتات، حاکمی ولایات، میرشکار باشی، کشاورزی، صنایع و کارگاه‌های تولیدی، ضرابخانه و غیره، همه و همه عرصه‌ی نقش‌پذیری و تأثیرگذاری نیروهای ارمنی بودند. اما گسترده‌ترین عرصه‌ای که ارامنه در آن به فعالیت پرداختند، تجارت و بازرگانی و سوداگری و دلالتی است که این امر موجب پراکنده شدن گسترده‌ی نیروهای ارمنی در نقاط مختلف و دور و نزدیک این سرزمین گردید. تجارت و تخصص ارمن‌ها و حمایت بی‌دریغ شاه‌عباس اول و همین‌طور عباس دوم از آن‌ها و پاره‌ای وجه اشتراک با طرف‌های اروپایی بازرگانی ایران، میدان فعالیت در این بُعد از عرصه‌ی اقتصاد را بر روی ایشان فراخ و گشاده می‌کرد.

اما نقطه‌ی حائز اهمیت، تغییر مسیرهای بازرگانی شرق- غرب و شمال ایران به سمت جنوب است. در غرب خصوصت شدید میان ایران و عثمانی و همین‌طور عثمانی با اروپا، به طبع کاهش سطح ارتباطات تجاری را میان دو کشور سبب می‌گردید. در سوی مقابل یعنی شرق نیز حضور ازبک‌های رقیب و ناآرام، راه‌های تجاری آن خطه را که به ماوراءالنهر و چین می‌رفت دستخوش بی‌ثباتی و ناامنی می‌ساخت. بنابراین این موارد خود موجب از رونق افتادن راه ابریشم که از شمال ایران می‌گذشت، می‌شد. علاوه بر این‌ها، به وجود آمدن راه‌های تجاری جدید که از طرف غرب آفریقا و گذراندن دماغه امید نیک در غرب به قاره به جنوب ایران و هندوستان و آسیای شرقی مرتبط می‌گشت، موجب تغییر مسیر راه‌های بازرگانی داخلی به سمت جنوب می‌گردید. بدین ترتیب در دوره صفویه و به‌خصوص در نیمه نخست قرن هفده، حجم تجارت ایران به هند و به گسترش نهاد و تا اواخر این قرن حجم تجارت گسترده‌ای در سواحل خلیج فارس و هند در جریان بود. کشتی‌های کمپانی‌های خارجی در این منطقه حمل و نقل را سرعت و تسهیل بخشیدند. امام قلی خان پسر الله‌وردی خان نیز در سمت حکومت فارس، با تسهیل حمل و نقل دریایی ابریشم و نقره به ارامنه یار می‌سازند. (بابایی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۳۸) در همین رابطه است که «خواجه طبر که رهبر ارمنیان جلقا بود، در سال ۱۶۲۰ م. ۱۰۳۴ ق. از کمپانی هند شرقی خواست تا به تجارت ارمنی کمک کند تا از طریق دریا به هند سفر کنند و اجناس خود را به سورات ببرند.» (جکسون- لاکهارت، ۱۳۸۷: ص ۳۵۹) به همین دلیل برخی از تجار بزرگ ارامنه در مراکز تجاری خلیج فارس سکونت گزیدند، هرچند انحصارگرایی برخی قدرت‌های اروپایی چون پرتغالیان، فضا را برای تحرک کند می‌کرد. سفرنامه "دسیلوا" از بازرگان ثروتمندی به نام "خواجه نظر" در لار یاد می‌کند که سابقاً قسمت اعظم تجارت خود را در هرمز انجام می‌داده است. (دسیلوا، ۱۳۶۳: ص ۳۹۸) بدین گونه بود که ارامنه‌ی زیادی رهسپار

نواحی جنوبی کشور چون بندرعباس، لار، ریشهر و غیره شدند و ضمن سکونت در این مناطق، شبکه‌ی تجاری فعالی با هند، فیلیپین، جاوه، کشورهای اروپایی و کمپانی‌هایشان به راه انداختند. و حضور آرامنه در بوشهر نیز در واقع از همین دوره رقم خورده است، که در فصل‌های آینده بدان خواهیم پرداخت.